

بررسی و تحلیل روند ورود و گسترش اسلام در اندونزی

فریدون الهیاری^۱

زینب کریمی^۲

رضا بیطرفان^۳

چکیده

اسلام پس از تثبیت در مبدأ وحی به واسطه فتوحات اسلامی در دیگر نواحی جهان گسترش یافت، به طوری که حضور فاتحان مسلمان به تدریج باعث آشنایی و در نهایت گرایش مردمان سرزمین‌های فتح شده به اسلام گشت، ولی این امر در جنوب شرق آسیا به ویژه در اندونزی به گونه دیگر بوده است؛ زیرا اولاً ورود اسلام نه به واسطه فتوحات اسلامی بلکه به دلیل حضور بازرگانان مسلمان هند و ایرانی در جزایر سوماترا و جاوه بوده است. دوماً اسلام نه در قرون نخستین اسلامی بلکه در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم میلادی در این منطقه نفوذ پیدا کرد. لذا به واسطه وجود این تفاوت‌ها پژوهش در این باره درخور اهمیت است. بنابراین در این مقاله سعی بر آن است به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روند ورود اسلام و گسترش آن در اندونزی پرداخته شود. علاوه بر این، این پژوهش در صدد پاسخ به پرسش زیر می‌باشد؛ چرا با وجود تنوع قومی، نژادی و فرهنگی فراوان در اندونزی این کشور به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان شناخته شده است؟

واژه‌گان کلیدی: اسلام، بازرگانان مسلمان، شرق آسیا، اندونزی.

^۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

^۳ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه اصفهان

مقدمه

پس از تثبیت جایگاه اسلام در مبدأ وحی در همان قرون نخستین اسلامی و در پی فتوحات مسلمانان در دیگر نواحی جهان مانند: ایران، حوزه دریای مدیترانه، شمال آفریقا، آسیای صغیر، آسیای میانه و اروپا، اسلام گسترش یافت. حضور فاتحان مسلمان در این نواحی، به تدریج باعث آشنای مردمان سرزمین های فتح شده با اسلام و در نهایت گرایش به اسلام گشت ولی ورود اسلام به پرجمعیت ترین کشور مسلمان جهان با دیگر نواحی متفاوت بود. از آنجایی که همواره در طول تاریخ یکی از عناصر مهم در برقراری پیوند میان ملل مختلف مناسبات اقتصادی بوده است، در اندونزی نیز با وجود عدم مناسبات فرهنگی و مذهبی با مسلمانان، همواره شاهد حضور مسلمان در عرصه تجارت و مراودات اقتصادی با جزایر مالایا بوده ایم که این خود عامل اصلی در ایجاد ارتباط میان مسلمانان با مردمان آسیا و اقیانوسیه بوده است. به دلیل فاصله ی زیاد اندونزی از مبدأ وحی و دیگر سرزمین های اسلامی حوزه ی مرکزی استوا و نیز به دلیل وجود موانع طبیعی فراوان، ورود اسلام به این منطقه دیرتر از دیگر نواحی یعنی در اواخر قرن سیزدهم میلادی، آن هم نه در پی فتوحات بلکه به دلیل فعالیت بازرگانان مسلمان صورت گرفت. شایان توجه است که با وجود فاصله زیاد و وجود موانع و مشکلات ارتباطی با دنیای اسلام آن زمان، این سرزمین با دارا بودن بیش از نود درصد جمعیت مسلمان، به عنوان بزرگترین کشور اسلامی جهان شناخته شده است.

شناخت عمومی کشور اندونزی

اندونزی بزرگترین کشور مسلمان می باشد و در عرصه بین الملل از جایگاهی در خور اهمیت برخوردار است، همچنین از قطب های موثر در حوزه جنوب شرق آسیا بشمار می رود، لذا شناخت عمومی آن ضرورت می نماید. اصطلاح اندونزی



یا جزایر هند شرقی بر کلیه مجمع الجزایر سرزمین های که امروزه قسمتی از جمهوری اندونزی را تشکیل می دهند اطلاق می شود. کلمه اندونزی به معنای "جزایر هند" است که در اصل نامی جغرافیای بود که بر کلیه جزایر بین آسیا و استرالیا از جمله فیلیپین اطلاق می گردید و نهضت ملیون اندونزی این نام را پذیرفتند و انتخاب کردند. در سال ۱۹۴۵ و ۱۹۴۹ به عنوان نام رسمی جمهوری در آمد و آن را بر اصطلاح کمتر شناخته شده "نوسانتارا" ترجیح دادند (ولک، ۱۳۷۴: ۲۸-۲۷). مجمع الجزایر اندونزی در اقیانوس هند، بین آسیا، استرالیا و اقیانوس آرام قرار گرفته است. این مجمع الجزایر به دلیل نزدیکی به تنگه مالاکا از اهمیت خاصی برخوردار است. این جمهوری مشتمل بر حدود ۱۳۷۰۰ جزیره است که از شبه جزیره مالایا تا گینه نو امتداد یافته اند جزایر مهم اندونزی عبارتند از: جاوه، سوماترا، کالیمانتان (برنئو)، سولاوسی (سلب)، ایریانجایا (گینه جدید غربی) و ملوک تیمور که این ممالک حدود شش هزار جزیره مسکونی می باشند. تنها مرز خشکی اندونزی با کشور های خارجی مرز آن با گینه جدید است. آب و هوای آن به علت قرار گرفتن در دو طرف خط استوا گرم و بارانی است. اندونزی بزرگترین مجمع الجزایر جهان بشمار می آید. (وارسته، ۱۳۷۲: ۳)

بزرگترین و پر جمعیت ترین جزایر اندونزی سوماترا و جاوه هستند که دارای موقعیت بازرگانی و کشاورزی بسیار مناسبی هستند اما جاوه غنی ترین و پر جمعیت ترین جزایر اندونزی است که همواره در طول تاریخ به دلیل وجود کالاهای مانند: فلفل، جوز هندی، اسطوخدوس، کالانکا، کبابه چینی، میخک و دیگر ادویه های پر ارزش و گران قیمت مورد توجه بازرگانان و تجار قرار گرفته است. در گذشته کالا و ادویه این جزایر که با کشتی های تجاری به دیگر نقاط برده می شد و سود سرشاری را عاید مردم آنجا می کرد (میسلیونه، ۱۳۶۹: ۱۸۴).

پایتخت: جاکارتا

جمعیت: اندونزی پر جمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان است.

زبان: زبان رسمی اندونزی نوعی زبان مالایی است که پس از استقلال رواج یافت و ۲۵ زبان و ۲۵۰ لهجه دیگر در اندونزی رواج دارد.

نژاد: بومیان اندونزی را نژاد زرد (مرکب از ۱۳۱ قوم تیره مختلف) تشکیل می‌دهند و تعداد زیادی چینی به اندونزی مهاجرت کرده‌اند و بزرگترین جامعه چینی‌های مقیم جنوب شرق آسیا، در مجمع‌الجزایر اندونزی به سر می‌برند (وارسته، ۱۳۷۲: ۵).

نگاهی کوتاه به تاریخ سیاسی اندونزی

تاریخ سیاسی اندونزی تا قرون ۱۴ و ۱۵ م به دلیل کمبود منابع به خوبی مشخص نیست، ولی از جمله حکومت‌هایی که در این دوران وجود داشتند می‌توان به ماجاپاهیت در جاوه شرقی و مالاکا در شبه جزیره مالایا بوداند اشاره کرد، که اولی بزرگترین دولت قبل از اسلام اندونزی و دومی احتمالاً بزرگترین امپراتوری بازرگانی اسلامی بوده است و از دیگر دولت‌ها اطلاعاتی در دست نیست. ولی همواره امور بازرگانی با تشکیل حکومت دارای ارتباطی تنگاتنگ بوده است و امپراتوری ماجاپاهیت یک قدرت بزرگ متکی بر تجارت بود که در اواخر قرن ۱۴ م و اوایل قرن ۱۵ م قدرتش رو به نقصان نهاد و در همین ایام یک حکومت جدید بازرگانی در مالاکا شکل گرفت. امپراتوری مالاکا نیز قدرتی متکی بر تجارت بود که از بازرگانان و تجار حمایت می‌کرد و در پی حمایت از بازرگانان مسلمان و سپس تأثیرپذیری از آنان، حکام این امپراتوری، مسلمان شدند. امپراتوری مالاکا در پی انجام امور بازرگانی، بزرگترین نظام بازرگانی آن زمان را به وجود آورد که این امر مرهون توفیق سیاست حکام آن در ایجاد یک جامعه بین‌المللی در بازرگانی بود. پادشاه پرتقال به محض اطلاع از ثروت عظیم



مالاکا به وسیله فرستادن نماینده در صدد عقد پیمان دوستی با حاکم مالاکا برآمد به این صورت ستیز میان مالاکا و پرتقال آغاز شد و سلطه اروپا بر الجزایر در قرن ۱۶م آغاز شد (ویکلفس، ۱۳۷۰: ۲۱-۳۳).

بنابراین اولین کسانی که از اروپا وارد اندونزی شدند، پرتغالی‌ها در سال ۱۵۹۱م بودند. اهالی اندونزی اروپاییان را به عنوان بازرگان و با روی خوش پذیرفتند ولی اندکی نگذشت با دخالت آنان در مذهب و اقتصاد این کشور مخالفت خود را با آنان آغاز کردند که منجر به درگیری‌های فراوان آنان شد و در سال ۱۵۶۵م اندونزی در مقابل پرتقال پیروز شدند. بعد از پرتقال، اسپانیا سپس فرانسه و هلند و بالاخره انگلستان به عنوان بازرگان وارد اندونزی شدند. حضور هلند برای اولین بار و در سال ۱۶۵۲م حضور همه جانبه استعمار در اندونزی بود که به مدت ۳۵۰ سال حاکمیت استعمار هلند بر اندونزی ادامه داشت و سرانجام در سال ۱۴۹۱م خاتمه یافت. تا اینکه در جنگ جهانی دوم ژاپن، اندونزی را تصرف کرد ولی در سال ۱۹۴۵م ژاپن در جنگ شکست خورد و میهن پرستان اندونزی به رهبری دکتر سوکارنو و دکتر محمد حتا علیه هلند که قصد استعمار مجدد اندونزی را داشت پیروز شدند و پس از چهار سال جنگ در نهایت در سال ۱۹۴۹م جنگ به نفع اندونزی پایان یافت (سفید دشتی، ۱۳۷۰: ۵۳). استعمار هلند با برخورداری از حمایت امپریالیست‌های امریکا و انگلستان بین سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۴۹م علیه جمهوری اندونزی می‌جنگیدند و اندونزی در سال ۱۹۵۶م موافقت نامه‌های را که هلند در سال ۱۹۴۵م به آنان تحمیل کرده بود را ملغی کردند (تیشوا، بی تا: ۱۶-۱۵).

وضعیت مذهبی اندونزی قبل از ورود اسلام

در ازمنه باستان وجود جنگلهای انبوه و منابع طبیعی و وجود ادویه مختلف و سایر ثروت‌های بی‌کران جزایر اندونزی همواره مورد توجه دریانوردان مختلف به



خصوص اهالی هندوستان بوده است. در نتیجه از کشورهای مختلف پای خارجیان به این جزایر باز شده که هر کدام از آنان مذهب و رسوم و ایمان خود را به همراه می‌آوردند. پیش از قرن اول میلادی پرستش آباء و اجداد و اعتقاد به اصالت روح در اندونزی رواج داشته است و در قرن اول میلادی با ورود هندی-ها مذهب بودا توسط تاجران هندی از طریق جاوه و سوماترا وارد این کشور شد. این تأثیر عمیق ریشه دار مذهبی هندوان تا قرن چهاردهم میلادی که اسلام در این کشور نضج گرفت، محکم و ثابت بر جای بود (سفید دشتی، ۱۳۷۰: ۳۰-۲۸). به طوری که فرمانروایان هندو طی قرون متمادی بر مردم اندونزی سلطه سیاسی و بازرگانی داشتند و دو دوره درخشان تاریخی آن، یکی از قرن هفتم میلادی در عهد امپراتوری "سریویجایا" بود که زمان نفوذ آیین و فرهنگ بودایی به سوماترا و جاوه مرکزی است. دیگری در عهد امپراتوری "موجوپاهیت" به رهبری گاجامادا که قرن ۱۴ میلادی زمان قدرت و عظمت آن بوده است. جاوه مستحکم‌ترین مرکز آیین هندو و سوماترا دارای بیشترین شمار پیروان آیین بودا بود ضمن اینکه بخش عظیمی از مردم این سرزمین همچنان با عقاید بت پرستانه و طبیعت پرستانه قدیمی و آداب و رسوم مبتنی بر جهل و خرافه زندگی می‌کردند (موثقی، ۱۳۸۹: ۳۲۵). امروزه نیز علاوه بر ادیان توحیدی هنوز پیروان عقاید بت پرستانه و ادیان بومی نیز وجود دارند.

چگونگی ورود اسلام در اندونزی

اندونزی پیش از اسلام در حدود یک هزار سال تحت سلطه فرمانروایان هندویی قرار داشت که در قرن اول و یا دوم میلادی به عنوان بازرگان به اندونزی دست انداخته بودند و سرانجام به واسطه مهارت در دیپلماسی بر آن سرزمین استلا یافته بودند (حسینی جبلی، ۱۳۹۰: ۶۱). مسلمانان اولین مهاجمانی بودند که در هجوم به هند و در مقابل تأثیرات فرهنگی تمدن هند مقاومت کردند و در این



میان چه بسا بودائیان و هندو مذهبانی بودند که به اسلام گرویدند ولی کسی از مسلمانان به بودیسم و هندو نگروید و در نهایت اسلام خود را به عنوان یک عنصر مسلط در شبه قاره هند مستقر ساخت (توین بی، ۱۳۶۶: ۴۹۲). شایان ذکر است که از دوره ساسانیان و سپس در قرون اولیه اسلامی مناسبات میان تجار مسلمان ایران با چین برقرار بوده و تجار مسلمان با شرق آسیا مانند: چین، مجمع‌الجزایر مالایا ارتباط تجاری داشتند (کراچوفسکی، ۱۳۷۹: ۱۱). رامهرمزیار نویسندگان قرن چهارم هجری (دهم میلادی) اخبار متعددی از مبادلات تجاری مسلمانان با سوماترا که آن را در آن دوران زابجمی نامیده‌اند و تردد کشتی‌ها از بصره و سیراف و عمان به آن سرزمین و عمران و آبادانی و رونق اقتصادی آن نقل کرده است (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۴۸-۱۴۵). باید گفت: که اسلام نه تنها در اندونزی بلکه در دیگر مناطق جنوب شرق آسیا، مانند چین، نه به وسیله انقلاب بلکه توسط تجاری که از راه خشکی و دریا با چین در ارتباط بودند و به شکل مسالمت‌آمیز وارد شد به طوری که در زمان مارکوپولو و ابن بطوطه در شهرهای گوناگون آن، فرقه‌های مختلف مسلمانان زندگی می‌کرده‌اند (wang'2006؛ p1). باید گفت: که اسلام در آغاز در شهرهای بندری واقع در این مجمع‌الجزایر و در میان اجتماعاتی پا گرفت که خود ریشه در سرزمین‌های داخلی این جزایر داشت ولی چشم به دریا و ماورای آن دوخته بودند. ورود تاریخ اسلام به این منطقه را باید با توجه به این واقعیت ملاحظه کرد (جونز، ۱۳۷۲: ۱۷۲) با این وجود ممکن نیست بتوان تاریخ دقیق ورود اسلام به اندونزی را برای اولین بار تعیین نمود. امکان دارد اسلام برای اولین بار به وسیله تجار عرب در قرون اولیه هجری، مدت‌ها قبل از اطلاع تاریخی از فعالیت‌های تبلیغی به آنجا راه یافته باشد. نفوذ اسلام از طریق بازرگانان ایرانی و هندی و از راه هندوستان آغاز شد. اولین شهرهایی که اسلام را پذیرفتند "باتجه" در شمال سوماترا و "بانتام" در



جاوه بود (حکیمی، ۱۳۷۸: ۲۷۳). علاوه بر این اسلام از طریق بازرگانان عرب به شکل مسالمت آمیز وارد اندونزی شد. اما عده‌ای تاریخ گسترش اسلام را در این سرزمین در اواخر قرن پنجم هجری می‌دانند (گلی زواره، ۱۳۸۵: ۲۶۱). وجود جامعه بومی مسلمانان مرهون و نتیجه کوشش‌های تبلیغاتی بازرگانان عرب هندی است در حالی که در مراکز تجارت سکونت می‌گزیدند. این بازرگانان با مردم بومی این مناطق ازدواج می‌کردند و همسران و بردگان بت پرست خانواده-های این بازرگانان مسلمان به این ترتیب هسته اصلی یک جامعه مسلمان را که افراد آن با کوشش و قدرت تمام در صدد توسعه آن بودند، را تشکیل می‌دادند و نیز برای توسعه بازرگانی خود لازم می‌دیدند با دستگاه‌های حکومتی رابطه دوستانه برقرار کنند. بدین صورت مسلمانان مالایا توانستند اساس استوار سیاسی و اجتماعی برای فعالیت‌های تبلیغی خود به وجود آورند. پس می‌توان نتیجه گرفت اولین ترویج دهندگان اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی بازرگانان بودند (آرنولد، ۱۳۵۸: ۲۶۸-۲۶۶). قرن سیزدهم میلادی یعنی دوره پادشاهی اسلامی، بازرگانان مسلمان گجراتی و ایرانی وارد اندونزی شدند و بین این کشور و ایران پیوندهای تجاری برقرار کردند و هم‌زمان با تجارت، مذهب اسلام را در اندونزی رواج دادند (عزتی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). استاد مطهری نیز نظری مشابه را بیان کرده‌اند: ایشان عقیده دارند مردمان جنوب ایران با راه‌های دریایی آشنای داشته‌اند و در اثر حمله مغول و پس از آن تیمور، ناگزیر شدند با سرمایه‌های خود در یکی از نقاط درو دست‌زدگی کنند یا بر اثر خرابی و از دست دادن سرمایه ناگزیر شدند به کشورهای جنوب آسیا روند لذا ایرانیانی که در آفریقای شرقی و اندونزی اقامت کردند، بیشتر از اهالی فارس بودند و روی هم رفته، دین اسلام توسط این مهاجمان به ممالک مزبور راه یافت (مطهری، ۱۳۶۰: ۳۹۵). همچنین پژوهشگران دیگر نیز کما بیش به این عامل اشاره کرده‌اند. به طوری که بیان شده



است: پس از سقوط بغداد به دست مغول‌ها در سال ۱۲۵۸ م بر جهان اسلام، صوفیان با کشتی‌های تجاری به دیگر سرزمین‌ها سفر کردند و تعلیمات خود را مبنی بر اصول ساده و زاهدانه تبلیغ کردند و وجوه عرفانی در اسلام اندونزی در قرن ۱۶ به بعد آشکار است (Gibb, 1953: 1218). بدین ترتیب پس از چند سال ارتباط اعراب و مسلمانان با ساکنین اندونزی این نواحی اسلام کم کم در سراسر جاوه و کالیمانتان و سپس تمام اندونزی راه یافت.

فعالیت‌های مسلمانان در سوماترا که دامنه آن به جاوه و کالیمانتان کشیده شده بود منجر به اختلاف شدید بین مردم مسلمان و حکومت مذهبی بودائی‌ها در قرون ۱۳ و ۱۴م شد که بالاخره منجر به سقوط امپراتوری موجوباهیت گردید و اندونزی برای مدت یک قرن مرکز تبلیغات اسلامی در جنوب شرق آسیا گردید. با پیشرفت اسلام در مذهب و فرهنگ برهمایی به مناطق کوهستانی و دهات دور افتاده مشرق جاوه عقب رانده شد. توسعه و پیشرفت اسلام با سقوط امپراتوری موجوباهیت قوام یافت (سفید دشتی، ۱۳۷۰: ۳۲-۳۱). پس از سقوط این امپراتوری در قرن ۱۴م، دولت مالاکا روی کار آمد که این امپراتوری به تجارت و امور تجاری بسیار علاقمند بوده و در واقع یک دولت تجاری بود که بر پایه مناسبات تجاری متمرکز بود و در راستای منافع خود همواره از بازرگانان دیگر ممالک که به مالاکا سفر می‌کردند، حمایتی کامل داشته است و در نهایت به دلیل همین مناسبات تجاری و فعالیت‌های تبلیغی بازرگانان مسلمان، با اسلام آشنا شده و به اسلام گرویدند از جمله پادشاهان این امپراتوری که در منابع از مسلمان بودنش در قرن ۱۴م یاد شده است، ملک‌ظاهر بود که پادشاهی کریم و بخشنده بر مذهب شافعی که همواره دوستدار فقها بوده است و اصول اسلامی مانند قرائت قرآن و برگزاری نماز جماعت در عصر او به خوبی بجا آورده می‌شده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۶۵۰). به همین خاطر این امپراتوری در تثبیت اسلام در مالاکا و



در نهایت در همه مجمع‌الجزایر بسیار موثر واقع شد. با وجود تأکید منابع بر نقش بی بدیل و اهمیتی که بازرگانان در ترویج اسلام در مجمع‌الجزایر داشته‌اند، ضرورت می‌نماید از گروه دیگری که در ادوار بعدی در گسترش اسلام در اندونزی داری نقشی هر چند نه به اندازه بازرگانان بوده‌اند یاد کرد. این گروه «مبلغان» بودند که اولین آنها را در شهر اتجه در شمال غربی سوماترا یک نفر عرب به نام عبدالله عارف می‌دانند که در اواسط قرن ۱۲م در این جزایر زندگی می‌کرده است و گفته شده که یکی از پیروان وی به نام برهان‌الدین اسلام را تا سواحل غربی توسعه داد (آرنولد، ۱۳۵۸: ۲۶۸). البته نباید اهمیت منافع تجاری برای دولت‌ها را نیز از نظر دور داشت زیرا دولت‌هایی مانند مالاکا در ابتدا به واسطه حفظ و توسعه منافع تجاری خود با بازرگانان دیگر ممالک و نیز تجار مسلمان رابطه برقرار کرده و در پی آن با اسلام نیز آشنا شده و به اسلام گرویدند. علاوه بر موارد ذکر شده از گروه‌های دیگری به عنوان عناصر مؤثر در گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر نیز نام برده شده است که در فرآیند اسلامی شدن مناطقی از خاور دور و جنوب شرقی آسیا علاوه بر بازرگانان از صوفیان و فقهای که بعد از سقوط بغداد به دست مغولان به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کرده‌اند، باید یاد کرد (توکلی، ۱۳۶۱: ۹۰). در نهایت باید گفت مهمترین عنصری که باعث ترویج اسلام در مجمع‌الجزایر شد، حضور و فعالیت بازرگانان مسلمان بود ولی در ادوار بعدی عناصر دیگر مانند: حضور صوفیان، فقها، مبلغان و دخیل بودن منافع تجاری دولت‌های حاکم نیز دارای نقشی در این زمینه بودند.

به این ترتیب اسلام در اندونزی در قرون ۱۴ و ۱۵م به شکل گسترده رواج یافت و مسلمانان در این قرون دارای قدرت زیادی بودند و هیئت‌های سیاسی حاکم نیز مسلمان و طرفدار مسلمانان بودند تا اینکه در قرن ۱۶م با ورود پرتغالی‌ها که مسلمانان را مانع راه توسعه طلبی خود در مجمع‌الجزایر می‌دیدند، با آنها مقابله

کرده و اقتدار سیاسی آنان را از بین بردند.

با ورود دیگر استعمارگران اروپایی نظیر: اسپانیا، فرانسه، هلند و انگلستان به اندونزی، هر چند قدرت سیاسی مسلمانان کاهش یافت ولی اسلام از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار فعال بوده است؛ از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به تأسیس مراکز آموزش اسلامی توسط جنبش محمدیه اشاره کرد که در جهت گسترش عقاید اسلامی تلاش کرده‌اند (کیم، ۱۳۷۲: ۲۳۰) و در نهایت اندونزی تبدیل به پر جمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان با دارا بودن بیش از نود درصد جمعیت مسلمان شد که پیرو مذهب شافعی هستند.

دلایل گسترش اسلام در اندونزی

از آنجا که گسترش هر پدیده دارای عللی می‌باشد، لذا با توسعه هر پدیده ضروری می‌باشد به ریشه‌یابی و بررسی علل آن پرداخته شود تا بدین صورت ماهیت آن ملموس و عینی گردد. لذا درباره رشد فزاینده اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی با وجود اینکه از هسته مرکزی دین اسلام فاصله بسیار زیادی دارد و از طرف دیگر سرزمین اندونزی دربردارنده جزایر بسیار پراکنده است و با اطلاع از این نکته که پراکندگی جغرافیای نقش مهمی در عدم اتحاد همه جانبه دارد از این رو بررسی و ریشه‌یابی علل گسترش اسلام در این سرزمین از اهمیت بسزای برخوردار است.

اسلام دینی جهان شمول است و گستره آن نواحی بسیاری از کره زمین را در بر گرفته است. این گستره که از هسته مرکزی یعنی، عربستان شروع شده و در طی قرون متمادی به دور دست‌ترین سرزمین‌ها امتداد یافته است و این نفوذ چشمگیر نشأت گرفته از دلایلی است که تأمل و تدبر در آن لازم است. مهمترین عامل، سادگی اصول و عقاید اسلام است که فارغ از هرگونه پیچیدگی اعتقادی کلامی است و برای یک نو مسلمان، خواندن شهادتین ضروری است و همچنین





اسلام، سلسله مراتب موجود در مسیحیت را ندارد. فرد مسلمان خود می‌تواند به سادگی و بدون نیاز به واسطه با خداوند ارتباط برقرار کند و از طرفی اصول اسلام (نماز، روزه، حج، زکات، خمس) به طور مناسب با امور اجتماعی انسان سازگاری دارند. بنابراین سادگی اصول و عقاید اسلام عاملی مهم در گرایش غیر مسلمانان به اسلام بوده است. از آنجا که کل نظام سیاسی و اجتماعی، حول محور عدالت می‌چرخد که برای تحقق آن قرآن و سنت رسول الله قوانین وضع کرده‌اند. تضمین مالکیت خصوصی ولی ضمناً "اصلاح‌گرایی" از طریق توزیع مجدد سرمایه به نفع مستمندترین انسانها دولت اسلامی، باید با روحیه خدمت و برابری بر اساس موازین شرعی و احکام اخلاقی یک جامعه رفاه مادی و معنوی به وجود آورد (بوازار، ۱۳۶۹: ۲۲۸). بنابراین در اسلام اصل برابری و مساوات نیز در گرایش بومیان به اسلام بسیار موثر واقع شده است. همچنین افرادی که دعوت و تبلیغ اسلام می‌پرداختند دارای اهداف سلطه جویانه و استثمار نبوده‌اند زیرا اصولاً افرادی بودند که چندان وابسته به هیئت‌های حاکمه نبوده‌اند مانند صنف بازرگانان که در اسلام پذیری مردمان اندونزی سهم بسزای داشتند. اسلام هیچگاه در صدد تحمیل خود بر بومیان دیگر ممالک نبوده است زیرا هنگامی که سرزمینی فتح می‌شد به مردمان آن در قبال پرداخت جزیه آزادی مذهب داده می‌شد و اگر هم مسلمان می‌شدند از حقوقی برابر با دیگر مسلمانان برخوردار می‌گشتند. بنابراین انتشار اسلام مبتنی بر دعوت بود، نه تحمیل ولی شاید مهمترین و قوی‌ترین علت را تاثیر تماس روزانه و مداوم غیر مسلمانان با تفکر و زندگی مسلمانان دانست.

عواملی که بر گسترش اسلام در مجمع‌الجزایر موثر بوده‌اند را می‌توان در موارد زیر به صورت خلاصه بیان کرد:

۱- انعطاف پذیری مبلغان مسلمان نسبت به ارزش‌ها، آداب، رسوم و فرهنگ



بومی تا جای که در تضاد آشکار با مفاهیم، عقاید و فرهنگ اسلامی قرار نمی‌گرفت.

- ۲- به علت پیوند مبلغان اولیه اسلام با فرهنگ بومی در مراحل بعدی، جزو بومیان مسلمان بودند که با شوق و علاقه به تبلیغ دیانت اسلام پرداختند.
- ۳- گسترش اسلام در این جزایر و منطقه به دلیل منافع استعماری دولت خاصی و یا به وسیله مراکز دینی در خاورمیانه صورت نگرفت.
- ۴- تاجران و دریانوردان مسلمان که به این مناطق می‌رفتند دارای مقاصد استعمار گرانه و در مقایسه با اروپاییان، با بومیان رفتار عادلانه داشتند.
- ۵- معمولاً در جریان اسلام آوردن جزایر مالایا، ابتدا توده مردم و سپس روسا و رهبران به اسلام ایمان می‌آوردند (موتقی، ۱۳۸۹: ۳۳۳).

وضعیت کنونی اسلام در اندونزی

اسلام در اندونزی بسیار گسترش یافته و در بین گروه‌های معتقد به عالم ارواح پیروان قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است. مساجد تقریباً در همه جا بر پا شده و تعداد دانشجویان دانشگاه از میان گروه‌هایی که آگاه به اسلام هستند به نحو چشمگیری افزایش یافته است. اندونزی سنت تاریخی خاصی برای ایالات خود دارد که طبق آن مذهب با زندگی مدنی و سیاسی مردم درهم آمیخته و ایالات هندو نشین از قبیل سری وی جایا و ماجاباهیت و نیز ایالات کوچکتر، حیات مذهبی بطور خود کار با جامعه سیاسی ممزوج شده است اما در عصر معاصر بین زندگی مادی و معنوی خط تمایزی کشیده شده و اسلام به اموری مانند: مرگ، ازدواج و زیارت ... محدود شده است (رنوئر، ۱۳۷۰: ۱۵). طبق اصل ۲۹ قانون اساسی اندونزی، اساس دولت اعتقاد به خدای واحد متعال می‌باشد و دولت آزادی هر کس را به پیروی از دین و مذهب و اجرای مراسم و وظائف مذهبی خود تضمین می‌نماید (وارسته، ۱۳۷۲: ۴۱).



با وجود اینکه طبق این اصل به دیگر مذاهب موجود در اندونزی اختیار و آزادی داده شده است و آنان را محدود نکرده‌اند و با وجود اینکه اسلام دین اکثریت مردمان اندونزی است ولی هیچ گاه اساس حکومت قرار نگرفت. در قانون اساسی جهت بر آورده شدن خواسته‌های مسلمانان تشکیل وزارت دین را تصریح کرده است، اگرچه حمایت از آزادی دینی و حفظ روابط مسالمت آمیز با دیگر مذاهب از وظائف این وزارتخانه می‌باشد اما هدف اصلی آن کنترل امور مذهبی مسلمانان از قبیل: ازدواج، مرگ، امور اوقاف و مساجد بود. این وزارت خانه دارای تشکیلات اداری گسترده است که ارتباط با حکومت مرکزی را با روستاها برقرار می‌کند (لاپیدوس، ۱۳۸۱: ۱۰۶۲). با وجود اینکه مسلمانان اندونزی از بسیاری جهات از سایر مسلمانان جدا هستند تا جایی که حتی اگر مسلمانی از دیگر جوامع اسلامی وارد اندونزی شود در نگاه نخست شاید چنین پندارد که مردم اندونزی اسلام را سرسری می‌گیرند و شاید این برداشت به دنبال ظاهر بینی پدید آید. از جمله نشانه‌های ظاهری که موجب این نگاه می‌شده این است که زنان اندونزی بر خلاف زنان دیگر ممالک اسلامی مانند دول عربی نقاب استفاده نمی‌کنند و دیگر اینکه مساجد به گونه‌ی مساجد دیگر کشور های اسلامی چندان نظرگیر نیست و یا اینکه مردمان مسلمان منطقه مینانگ کابوئو هنوز سلسله نسب را از جانب مادر می‌گیرند. علت این امر این است که قوانین اسلامی با عرف محلی سخت در هم آمیخته است. با این همه مسلمانان اندونزی بسیار با ایمان هستند و هر ساله چندین هزار نفر از اندونزی به زیارت کعبه می‌روند. اسلام در زندگی خصوصی مردم اندونزی یعنی در احساس و رابطه مستقیم با خداوند و نیز زندگی اجتماعی و عمومی ایشان موثر است (اسمیت، ۱۳۵۰: ۱۳۲-۱۳۱). امروزه در اندونزی سازمانها و گروهی اسلامی بسار فعال هستند و دامنه‌ی فعالیت های خود تقریباً به صورت همه جانبه گسترش



داده‌اند. رابطه تنگاتنگ میان جماعت مسلمان و مراکز اسلامی باعث قدرت بخشیدن به مسلمانان و رشد آنان می‌شود از این رو سازمان‌های تبلیغی مسیحی همواره درصدد لطمه زدن به این رابطه بودند و گاهی باعث قطع آن شده‌اند و هدفشان این بوده است تا دشمنان اسلام بتوانند مسلمانان را به جهتی که می‌خواهند سوق دهند و از این رهگذر مسلمانان اعتقاد خود را به دین، عقید و اخلاق و میراث فرهنگی خویش از دست دهد (کرمانی، ۱۳۷۰: ۲۰۱).

مساجد در اندونزی

مسجد به عنوان نمود هویت دینی و اجتماعی مسلمانان در تاریخ اسلام از اهمیت بسزای برخوردار بوده است زیرا علاوه بر اینکه پایگاهی برای نشر فرهنگ و انتقال تعلیم و تربیت اسلامی بوده‌اند، به عنوان محلی برای مبارزات سیاسی و مناسبات فکری و فرهنگی در تاریخ اسلام نیز ایفای نقش نمودند. بدین خاطر همواره ساخت مساجد در سرزمین‌های اسلامی مورد توجه مسلمین بوده است که در ورای همین توجه در طول تاریخ، مساجد بزرگ و با عظمت در سرزمین‌های اسلامی از جمله اندونزی ساخته شد است. درباره سبک و معماری مساجد در اندونزی باید گفت که در آمیختن فرهنگ عربی اسلامی با معتقدات برهمایی و عقاید بومی اندونزی در معماری اسلامی و بنای مساجد این کشور به خوبی متجلی است. امروزه در اغلب مساجد اندونزی طاقهای گوشه دار که ریشه در فرهنگ مذهبی بومی اندونزی دارند، با طاقهای مدور گنبد های عربی پهلوی هم قرار گرفته و مساجد اسلامی بر خلاف مساجد مدور برهمایی، به شکل مربع ساخته شده و مناره‌های عربی نیز از مساجد حذف گردیده است زیرا صدای موزن در هوای سنگین و متراکم اندونزی انعکاس می‌یابد و در دوردست به گوش نمی‌رسد لذا برای اعلام اوقات نماز، به جای آن که اذان بگویند، طبل بزرگی را که "بلوک" نام دارد به صدا در می‌آورند. در مراسم و آیین‌های بزرگ

مذهبی مسلمانان اندونزی بسیاری از عادات و رسوم مخصوص هندوان و پاره‌ای از عقاید و تظاهرات قدیمی بومیان اندونزی نیز رسوخ و امتزاج یافته است (اسعدی، ۱۳۶۶: ۲۸۶).



نتیجه

مجمع الجزایر اندونزی از یک سو به دلیل دارا بودن محصولات صادراتی مختلف از قبیل: فلفل، کائوچو، روغن نارگیل و ادویه جات مختلف دیگر، از ازمئه باستان و همچنین به دلیل موقعیت ترانزیتی جزایر سوماترا و جاوه ملوک نیز محل توجه بوده است. بدین خاطر تجارت در این سرزمین با دیگر نواحی از رونق بسزای برخوردار بوده است. از آنجایی که یکی از عناصر انتقال مبانی فرهنگی و مذهبی میان سرزمین‌ها روابط و مناسبات تجاری می‌باشد و تجار مسلمان هند و ایرانی با این مجمع الجزایر دارای ارتباط وسیع بودند بدین واسطه به تدریج امتزاج و ارتباط مسلمانان با بومیان باعث آشنایی و در نهایت گرایش به اسلام شد و اهمیت این امر در این است که در اندونزی روند اسلام پذیری متفاوت بوده است زیرا در آنجا حکومت اسلامی تشکیل نشده بود و اسلام پذیری مرمان این سرزمین در سایه شمشیر صورت نپذیرفت، بلکه روند ورود و توسعه اسلام طبیعی و مسالمت آمیز و در نتیجه فعالیت های تبلیغی بازرگانان صورت گرفت هرچند در ادوار متأخر تر حضور مبلغان و صوفیان نیز در تسریع این روند مؤثر بود. بطور کلی می‌توان گفت که موقعیت بازرگانی و ورود بازرگانان مسلمان تبلیغ و رفتار مسالمت آمیز، خود باعث معرفی اسلام به بومیان اندونزی گردیدند. اسلام، دیگر ادیان اندونزی را تحت شعاع خود قرار داد، به سرعت فراگیر شد تا قرن ۱۶ میلادی از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار گردید اما با ورود استعمار این قدرت رو به نقصان نهاد ولی امروزه همچنان از نظر فرهنگی و اجتماعی مؤثرترین عنصر بشمار می‌رود و بدین صورت اندونزی به بزرگترین کشور مسلمان جهان تبدیل شد.



منابع مأخذ

- ۱- آرنولد، سیرتوماس (۱۳۵۸). **تاریخ گسترش اسلام**. ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲- ابن بطوطه (۱۳۳۷). **سفرنامه**، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- اسعدی، مرتضی (۱۳۶۶). **جهان اسلام**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- اسمیت، دیتوس (۱۳۵۰). **سرزمین و مردم اندونزی**، ترجمه پرویز داریوش، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- مارسل (۱۳۶۹). **اسلام و جهان امروز**، ترجمه مسعود محمدی، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- محمدکاظم (۱۳۶۱). **مسلمانان موروثی. تاریخ اجتماعی مسلمانان جنوب فیلیپین**، تهران: امیرکبیر.
- ۷- توینبی، آرنولد جوزف (۱۳۶۶). **تاریخ تمدن: تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر**، ترجمه یعقوب آژند، بی جا: نشر مولی.
- ۸- تیشوا، رولا (بیتا). **کشورهای جنوب شرقی آسیا**، ترجمه و تلخیص غلام علی سرمد، بی جا. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۹- جونز، اه (۱۳۷۲) «از حجاز تا آنچه» ترجمه: اسماعیل نیا، فرهنگ، شماره ۱۴، صفحه ۱۷۲. **رتال جامع علوم انسانی**
- ۱۰- حکیمی، محمود (۱۳۷۸). **نگاهی به تاریخ معاصر جهان یا بحرانهای عصر ما**، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- حسینی جبلی، سید میر صالح (۱۳۹۰). **جنبش‌های اسلامی در اندونزی**، تهیه: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم: موسسه بوستان کتاب.



- ۱۲- رامهرمزی، بزرگ بن شهریار (۱۳۴۸). **عجایب هند**، ترجمه محمد ملک‌زاده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۳- رنوئر، دلیا (۱۳۷۰). **نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی**، ترجمه ایرج رزاقی - محمد مهدی حیدر پور، بی‌جا: آستان قدس رضوی.
- ۱۴- ریکلفس، ام‌سی (۱۳۷۰). **تاریخ جدید اندونزی**، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، بی‌جا: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵- سفید دشتی، غلامرضا (بی‌تا). **رستاخیز اندونزی**. اتحاد در عین اختلاف، بی‌جا.
- ۱۶- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۷). **جغرافیای سیاسی جهان اسلام**، قم: واحد تدوین کتب درسی.
- ۱۷- کراچکوفسکی، ایگناتیو لیا نوویچ (۱۳۷۹). **تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۸- کرمانی، ایرج (۱۳۷۰). **اقلیتهای مسلمان در جهان**، مجموعه مقالات، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- ۱۹- کیم، کوکی (۱۳۷۲). **تاریخ جنوب شرقی، جنوب و شرق آسیا**، ترجمه علی درویش، بی‌جا: آستان قدس رضوی.
- ۲۰- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۵). **جغرافیای جهان اسلام، آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو و اقلیت‌های مسلمان**، قم: انتشارات موسسه آموزش امام خمینی.
- ۲۱- لاپیدوس، ایرام (۱۳۸۱). **تاریخ جوامع اسلامی**، ترجمه علی بختیار زاده، تهران: اطلاعات.
- ۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۶۰). **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران: صدرا.
- ۲۳- موتقی، سید احمد (۱۳۸۹). **جنبشهای اسلامی معاصر**، تهران: سمت.
- ۲۴- میسلوونه، ایل (۱۳۶۹). **سفرنامه ماکوپولو**، ترجمه منصور سجادی، تهران: ابو

علی.

۲۵- وارسته، حمید (۱۳۷۲). قانون اساسی اندونزی، بی جا: اداره کل قوانین و مقررات کل کشور.

۲۶- ولک، برنارد (۱۳۷۴). تاریخ اندونزی، ترجمه ابوالفضل علی زاده طباطبائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- H.A.R. Gibb (1953). *encyclopedia of islam. leiden. E.J. Brill.*

- j wang (2006) *islam in EsatAsia 'Encyclopedia of Language & Linguistics (Second Edition)*

